

بررسی و نقد کتاب

«تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی، تاسده هفتم هجری»

مرتضی نورایی*

چکیده

کتاب مورد بررسی، از جمله کتاب‌های تاریخی است که بر جریان متن‌نگاری در عرصه تاریخ تکیه دارد؛ تاریخ متن‌نگاری در متن. به بیان دیگر مقصد اثر بازنمایی وقایع یا جریان تاریخی نیست؛ بلکه در این مقام بازسازی سازوکار تاریخ‌نگاری خاصی - محلی - در روند زمانی معین، از قرن سوم تا هفتم هجری است. سیر تحول تاریخ‌نگاری محلی از تک‌نگاری‌های مکان‌مند، مانند فتوح و خراج تا زندگی‌نامه‌ها در قالب طبقات و رجال و ورود به تاریخ‌نامه‌های محلی از جمله نمای روند متحولی را در این عصر نشان می‌دهند. بنابراین، کتاب سعی در بازنمایی یک روند در اسلوب و روش معنی‌دار گذشته‌نگاری معطوف تاریخ‌نگاری است. آیا نویسندگان به جنس و طبیعت نوشته‌های خود خودآگاهی داشته‌اند؟ نگاهی که در این کتاب وجود دارد و با آن نویسنده به عمق زمان فرو رفته و درصدد بازنگاری آن برآمده، در واقع نگاه اسلوب‌مند تاریخ محلی است که از دریچه فصل کلیات این کتاب به منابع ورود می‌کند. فرآیند منابع روشنگر سنت غنی تولید به‌منظور ماندنی کردن زمان گذشته در متون است. بنابراین روند بازسازی و بازنگاری متون در قالب یافتن چارچوبه‌های در مدار روش و نگرش به‌واقع توانسته است گویای سنت غنی تاریخ‌نگاری محلی در ایران دوره میانه باشد. اینک تاب‌نمایش روند تکاملی تاریخ‌نگاری محلی در ایران تا قرن هفتم است. فرض اساسی این کتاب این است که زمان، جغرافیا (مکان) و نظام‌های سیاسی مثلث تحول در تاریخ‌نگاری محلی هستند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ محلی، سنت؛ ایران دوره اسلامی، روش‌شناسی

* استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

۱. مقدمه

تاریخ محلی نمایی عینی از گذشته دور و نزدیک در مقیاس مکانی محدود خاصی است. گذشته نزدیک و پنهاندر کوی و برزن مناطق/شهرها، در سیطره گسترده تر جغرافیای سیاسی یا اداری است. مبنای این نحله تاریخ نگاری، ترسیم گذشته ای کم و بیش ملموس و معمول از زاویه ای نزدیک و ترجیحا در زمان مولف می باشد. باز شدن دریچه های متعدد به گذشته ای متراکم و بی نهایت، نیاز به سازوکار های متنوعی دارد که در این راستا تواریخ مضاف توانسته اند این مهم را حتی الامکان انجام داده و پاسخی به پرسشها و ضرورت های روز داشته باشند. شیوه دیرپای تاریخ نگاری محلی چه در سنت قدیم و چه در سنت مدرن آن، در واقع پیوسته سازو کار کمکی برای دریافت بهتر و دقیق تر گذشته بوده است. چنانکه امروزه سبک و سیاق تاریخ نگاری محلی به عنوان تاریخ کاربردی (practical history) یا تاریخ دم دست (immediate history) شناخته می شود. افزون بر این تاریخ های محلی به عنوان سنگ بنای تاریخ اجتماعی نوین در نظر گرفته می شوند. ریزه کاری ها و ریز نگاری های تاریخ های محلی در زمینه حیات اجتماعی مناطق در واقع نشان دهنده علاقه عمومی به گذشته موطن و محل زندگی بوده است. چنین علایقی در متون تاریخ محلی انعکاس یافته تا جایی که بخش هایی از این کتابها به عنوان کتابهای درسی در دربار ها و مدارس دست بدست می گشته است. حجم وسیعی از آگاهی های اجتماعی از راه این نوشته های منتقل شده است. به همین دلیل هر نوع باز انگاری در این نحله تاریخ نگاری نیاز به فرصت جدی و حوصله مکفی دارد. در این راستا گاه به نمونه هایی برخورد می شود که قابلیت های خاصی را در متن انتقال می دهند تا بتوان مبنایی برای مطالعات بیشتر و دقیقتر فراهم گردد. کتاب "تاریخ نگاری محلی ایران در دوره اسلامی" از این دست تالیفات است که خود می تواند شالوده ی کار های آینده در زمینه تاریخ نگاری محلی روشمند باشد. پرداخت مولف به این مسئله در دوره مورد بحث؛ از قرون نخستین اسلامی تا سده هفتم، می تواند راهگشای کار های بیشتر و متنوع تری در این راستا باشد. میراث تاریخ نگاری دوره میانه ایران هنوز نیاز مبرمی به پژوهش هایی از این دست دارد. چنانکه در قسمتی از این اثر ملاحظه می شود، بسیاری از منابع و مستندات

تاریخ‌نگاری های این دوره، در سایر منابع نهفته هست و لازم است که پژوهش‌هایی متمرکزی بر منبع‌شناسی منابع دوره میانه تعریف شوند.

۲. نقد شکلی (form)

این اثر از جهت فنی مطلوب ارزیابی می‌شود. طرح روی جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی و قطع این کتاب با دقت لازمی شکل گرفته است. همچنین با توجه به متن موجود، این اثر نمونه خوانی و غلط‌گیری شده است. ضمن اینکه ملاحظات نشان می‌دهد که متن به خوبی تنظیم یافته و مسایل نگارشی و ویرایشی آن کم و بیش بی‌نقص است. افزون بر این، متن از هر حیث در انتقال مفاهیم و معانی روان بوده و از ادبیات منطقی و همواری برخوردار است. با توجه به تخصص نویسنده و کارهایی که پیش از این در زمینه تاریخ و تمدن اسلامی ارائه کرده، نشان از تسلط نسبی ایشان بر روش تحقیق، منابع و مطالعات و تحقیقات تاریخی دارد. از نظر شکلی، کتاب دارای مقدمه، متن، نتیجه است. شکل ارجاع دهی در این کتاب، روش پسندیده پاورقی بکار رفته که کار اعتبار سنجی بلاواسطه از سوی خواننده، به سهولت قابل پی‌گیری است. همچنین دو انتشاراتی متولی اثر، "پژوهشگاه حوزه و دانشگاه" و "سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)"، صاحب تجربه ارجمندی در زمینه این تالیف هستند که با سازوکار ناظر و داوری، آثار مورد پذیرش قرار گرفته و به چاپ می‌رسد. از اینرو می‌توان گفت این اثر در چند مرحله به داوری گذاشته شده و نویسنده پیوسته سعی در رفع و رجوع ایرادات احتمالی داشته است. از سوی دیگر دایره خوانندگان این متن معمولاً متخصصین و دانش پژوهان تاریخ و تمدن ایران اسلامی هستند که بدین منظور اثر با شکل موجود می‌تواند پاسخگویی بخشی از پرسش‌ها و نیازهای مراجعه‌کنندگان باشد.

کتاب شاملیک مقدمه، چهار فصل، جمع‌بندی، پیوست‌ها، منابع و نمایه است. فصل اول: تعاریف و کلیات، شامل طرح بحث، تعاریف، کتاب‌شناسی و دسته‌بندی انواع کتاب‌های تاریخ محلی. (صص ۳۰-۵) فصل دوم: تاریخ‌نامه‌های محلی؛ شامل پراکندگی زمانی و مکانی و موضوعی تاریخ‌های محلی است که در ابتدا به فتوح آنگاه

به خراج و در نهایت به جمع‌بندی نهایی منتهی شده است. (صص ۱۹۲-۳۱) فصل سوم: زندگی نامه های محلی؛ شامل ۵۲ دو منطقه. (۲۳۶-۱۹۳) فصل چهارم: چند تاریخ محلی ناشناخته؛ شامل منبع شناسی ۱۹ مورد. (صص ۳۵۰-۲۳۷). در اینجا آنچه می توان در بررسی شکلی اثر گفت این است که در کتاب حاضر، عنوان با فهرست بندی اثر مطابقت دارد.

۳. نقد محتوایی (content)

الف. منطق. دستگاه منطقی تاریخی حاکم بر این اثر همانا تسلسل زمانی (کرنولوژیک) است. بدین صورت پدیدآورنده پیوسته در هر موضوعی تلاش بر آن داشته تا تقدم و تاخر زمانی مورد بحث را مد نظر قرار داده و مستندات و روایت مبنایی خود را بر همین اساس استخراج و دسته بندی نماید. بیشک هسته سختو مرکزیت هرتبین تاریخی روایت (نقل) است (Munslow, 2000, N) به بیان دیگر از آنجا که کار مورخین بازنمایی روایت به شکل گام بگام است مبنای این حرکت باز انگاری زمانی طولی و عرضی است. (نورائی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۲) این نکته در عنوان اثر به خواننده متذکر نیز می شود: "تاریخ نگاری محلی ایران دوره اسلامی تاسده هفتم هجری". بنابراین نظم و منطق کلی اثر بر محور زمانی، در زیر مجموعه فصول چهارگانه کتاب مهندسی شده است. بدین منظور مولف تلاش داشته در چرخش زمانی به تنوع موضوعی در زیر مجموعه فصول پردازد. موضوعاتی مانند فتوح، ضمن بررسی محتوایی، آنها را در ترتیب زمانی مورد ملاحظه قرار دهد. چنانکه ذکر بیست و چهار مورد از فتوح باز شناخته شده، در فصل ۲، به ترتیب زمانی گردآوری و دسته بندی شده اند. در همین فصل باز توجه به فتوح یا همان فتح نامه ها در تقدم زمانی نسبت به تاریخ نامه های محلی قرار گرفته که خود پیروی از منطق زمانی حاکم بر اثر است.

ب. منابع و مستندات. وجه دیگر حرکت گام بگام در مدار تحقیقات تاریخی باز سازی گذشته بر پایه ی مستندات معتبر و حتی الامکان منابع اصلی یا اولیه است. بی شک بازسازی و نگارش های محلی در طلیعه ی تاریخ نگاری دوره اسلامی و پس از آن تا قرن هفتم هجری نیاز به واری و بررسی منابع اصلی وسیعی را داشته که فهرست

منابع پایان کتاب گویای آن است. از اینرو سعی بلیغی از سوی مولف در جستجوی منابع و ارزیابی آنها در مدار تاریخ محلی صورت گرفته است. می‌توان گفت بررسی کتاب و مقایسه ارجاعات نشان می‌دهد کم و بیش تمامی منابع در دسترس و مرتبط با موضوع، مورد ملاحظه قرار گرفته است.

در این راستا مبنای توجه به موضوع تاریخ‌نگاری محلی در ایران، باز نمایی چگونگی تاریخ‌نگاری محلی مدرن و پسامدرن میان مورخین جهانی نیز بوده است (فصل یک) اگرچه تاریخ‌نگاری محلی در ایران سابقه طولانی داشته ولی پرداخت مجدد به آن در قالب تالیف حاضر ضرورت بازبینی مطالعات جدید در تبیین دوباره آن محرز بوده است. چنانکه فصل نخست در قالب تعاریف و کلیات، بر همین پایه نویسنده سعی در باز انگاری تاریخ محلی در سده های مورد تحقیق را دارد. بیشتر اینکه روند ارجاعدهی در سرتاسر اثر یکدست بوده نمایان باز سازی روایت مبنایی را با دقت و براساس مستندات معتبر، تداعی می‌کند. همچنین در مطابقت ارجاعات ضمن اعتبارمندی آنها، نشان از امانتداری نیز وجود دارد.

ج. تحلیل و بررسی. بی شک متنی که برآمده از مستندات معتبر باشد، خواناخواه هم نویسنده و هم خوانندگان را به تحلیل و تفسیر روند روایت وا می‌دارد. تحلیلی که بر گرفته از داده های مستند و متقن روایت مبنایی است. چنانکه نویسنده نیز بر این نکته واقف است که "توصیف دقیق یک واقعه یا جریان.... تنها پس از آنکه حتی المقدور توصیفی همه جانبه از آن حادثه یا جریانی صورت پذیرفت، ظاهر می‌شوند و اصولاً امکان پذیر هستند". (ص ۱) بدین صورت می‌توان انتظار داشت که مولف توانسته باشد در روایت خود، مبنای علمی قابل قبولی را جهت تحلیل های درون متنی و گفتمانی پی ریزی کند. از آنجا که باز سازی متن از منطق علمی تاریخ پیروی کرده است، خواننده می‌تواند در هر مقطعی امکان راستی آزمایی متن را داشته باشد. از اینرو می‌توان گفت متن جامعی مانند نوشته حاضر در جاده بی طرفی سیر کرده و از اینرو تحلیل ها می‌تواند مبنای درستی داشته باشد. (مکالا، ۱۳۹۲: ۲۳۷) گو اینکه بازآفرینی تاریخ های محلی این دوره در چارچوبه اثر موجود، خود از پشتوانه نظری مناسبی برخوردار است.

بیشتر اینکه در متن به موارد تحلیلی متعددی برخورد می‌شود که نتیجه برآیند موضوع در عرصه تاریخ‌نگاری محلی است. جغرافیای شمولی مبحث تاریخ‌های محلی از فتوح و خراج شروع شده تا به محلی‌نگاری‌های مستقل یا موردی رسیده است. در این راستا نظرفرانتس روزنتال بر این است که متون موجود در عرصه محلی‌نگاری را می‌توان در دو طبقه: تاریخ‌های محلی دینی و غیر دینی (سکولار) دسته‌بندی کرد. (ص ۱۱) قنوات ضمن بازنگری این نظر به نقد و تحلیل این دیدگاه روزنتال پرداخته است. وی معتقد است زندگینامه‌های محلی در دو دسته فوق‌تر قرار نگرفته و می‌تواند دامنه دیگری از مباحث محلی را در حیطه رجال و فرهنگ‌نامه‌های عمومی باز کند. (فصل سوم) بدین صورت مولف عناوینی مانند زندگینامه‌های محلی دینی و غیر دینی تقسیم کرده و شمول طبقات، معجم‌ها و تراجم را در مبحث تاریخ‌های محلی قرار می‌دهد. (ص ۳۵۳)

از منظر روش‌شناسی، مسیر پژوهش در صورتیکه بر اساس مبانی تحقیقاتی صحیح پیروی کند می‌توان انتظار داشت که آن تحقیق منجر به توسعه علمی و نوآوری نیز بشود. در درجه نخست این اثر به دلیل آنکه با نظریه ساخت‌زیر ساخت تحقیقاتی برای تاریخ‌های محلی و نشان دادن شجره‌نامه تاریخ محلی دست‌بکار شده است، خود نمونه‌ای از نوآوری است. از سال ۱۹۶۸ پس از اثر ارجمند روزنتال و نقطه نظرات وی در باب تاریخ‌نگاری در اسلام روند تخصصی شدن تاریخ پیوسته روبه توسعه بوده است. تاسیس دپارتمانهای مختلف در پیکره تاریخ‌دانی نشان از ضرورت نگرش‌های فنی‌تر در عرصه تاریخ است. ورود به تخصصی شدن علوم افزون بر تجربه و تفکر توسعه‌ای، نیاز به زیرساخت‌های لازم دارد که مهم‌ترین آنها وجود متون (texts) لازم و مرتبط است. تالیفات دیگر در این زمینه در ایران یا ترجمه هستند و یا به طور عمومی به تاریخ‌نگاری محلی پرداخته‌اند. (آزند، ۱۳۸۰ و سجادی، ۱۳۷۵) مجموعه آثاری که در این عرصه از مکتب تاریخ‌نگاری محلی اصفهان بویژه تولید شده است، گویای این عزم می‌باشد. پیش از این، اثر جامع و دانشگاهی پیرامون خطوط نویسی در واقع مدخلی بود بر تاریخ‌نگاری محلی در جهان اسلام. (نورائی، ۱۳۹۰)

در عین حال فرا تر از فرضیه اساسی فوق‌الذکر، کتاب موجود حاوی افزوده‌های متنوعی در عرصه مورد ادعا در تاریخ محلی نیز می‌باشد. کنکاش‌های اثر نشان می‌دهد که توجه کلی به مبحث محلی‌نگاری کارساز نبوده و باید سرمایه‌گذاری موثر در این زمینه صورت پذیرد. چنانکه این مطالعه نشان می‌دهد دو عرصه تاریخ‌نامه‌های محلی و زندگی‌نامه‌های محلی دو میدان متفاوتی برای محلی‌نگاری هستند. این دو در مسیر تحقیق مولف خودنمایی کرده و استخراج یافته است. هرکدام از این فقرات می‌تواند به عنوان پروژه‌ای مستقل برای ادامه تحقیقات در این زمینه باشند. افزون بر این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از تاریخ‌نامه‌های محلی مفقود هستند اما ذکر خبر آنها در سایر آثار بازمانده می‌تواند اسباب بازپروری و گردآوری و شناسنامه‌دار شدن آنها گردد. این خود نیز به نظر می‌رسد حایز اهمیت بسیار است: منبع‌شناسی منابع تاریخ‌های محلی.

از نکات روشمند و موثر تحقیقات در زمینه‌های تاریخی این است که کار بر اساس فرضیه و یا پرسش‌ها پیش رود. به عبارت دیگر تحقیق پرسش‌محور یا فرضیه‌مدار باشد. از آنجا که به نظر می‌رسد شاکله اساسی این پژوهش بر پایه تهیه و تنظیم و دفاع پایان‌نامه بوده است، مسیر تحقیق بر اساس فرضیه‌هایی (صص ۱۶-۱۷) بارور شده و مستخرجات قابل‌یافته است. در همه حال از آنجا که پرسش‌های پنجگانه این کتاب دربردارنده خط سیر تالیف است می‌تواند حایز اهمیت باشد: "۱. تاریخ‌نگاری محلی ایران از چه زمانی آغاز شد؟ ۲. تاریخ‌نگاری محلی ایران تحت چه عوامل و انگیزه‌هایی شکل گرفت؟ ۳. انواع تاریخ‌نگاری محلی ایران کدام‌اند؟ ۴. دوره‌های تاریخ‌نگاری محلی ایران کدامند؟ و ۵. مخاطبان تاریخ‌های محلی ایران چه کسانی بوده‌اند؟" (ص ۱۶) بدین صورت پنج ضلعی پرسش‌های بالا قالب اثر را می‌تواند بلحاظ محتوایی ترسیم نماید. گو اینکه دو فرضیه شفاف برمبنای همین پرسش‌ها نیز کارگزار اصلی تالیف هستند. در عین حال دو فرضیه برآمده از پرسش‌های مذکور چگونگی و میزان تاثیر‌گذاری متغیرها در طول پژوهش است: "۱. پراکنندگی جغرافیایی و زمانی تاریخ‌های محلی ایران معنا دار است و به نظر می‌رسد با اوضاع اجتماعی، سیاسی، علمی و آموزشی شهرها و مناطق مختلف رابطه‌ای نزدیک داشته باشد. ۲. ... میان

تشکیل دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در نواحی مختلف ایران و رونق گرفتن تالیف تاریخ‌های محلی رابطه‌ای وجود دارد." (ص ۱۷) در واقع ترکیب دو فرض فوق در این اثر نمایشی از این فرض اساسی و راهبردی مورخین محلی است: زمان، جغرافیا (مکان) و نظام‌های سیاسی مثلث تحویل و تحول در تاریخ‌نگاری محلی هستند. به بیان دیگر جغرافیای محلیت (locality) در تبیین و نگارش‌های محلی نگاران در این مثلث پیوسته تغییر وضعیت داده و نشانگر این است که محلی‌نگاران متوجه سیالیت تاریخ‌نگاری محلی در مفهوم محلیت هستند.

نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد در دوره مورد بحث از ۱۴۲ عنوان مستخرج در قالب تاریخ‌نامه‌های محلی، نوزده مورد آن به طور مستقل وجود نداشته و محتوای آنها در سایر آثار مذکور شده است. این آثار مفقود به طور مستقل در فصل چهارم به آنها پرداخته شده که از مهمترین مستخرجات این کتاب است. همچنین در این کتاب نشان داده می‌شود که روند محلی‌نگاری پیوسته بسوی کمال بوده است و رفته رفته خرده‌نگاری‌ها منجر به شکل‌گیری آثاری تحت عنوان تاریخ‌های محلی شده است. در این راستا، از یافته این تحقیق این است که زندگینامه‌های محلی مستخرج از رجال و طبقات خود نمونه‌ای از محلی‌نگاری هستند. گو اینکه امروزه نیز تاریخ‌های خاندانی به عنوان بخشی از تاریخ محلی در نظر گرفته می‌شود. این از آن جهت است که خاندانها زاده و مربوط به مولد خود هستند که دارای جغرافیای معینی است.

افزون بر این در این پژوهش دو عنصر زبان و مخاطبین انواع محلی‌نگاری‌ها در هر دوره‌ای در بازه زمانی تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. طبقه‌بندی زمانی به سه دوره؛ دوره اولیه (نیمه سده دوم تا نیمه سده سوم)، دوره دوم (نیمه سده سوم تا نیمه سده پنجم)، و دوره سوم (نیمه سده پنجم تا آخر سده هفتم) حایز اهمیت است.

دو دوره اول و دوم طبق داده‌های پژوهش زبان عربی در نگارش آثار مذکور، حاکمیت داشته اما در دوره سوم نگارش‌ها بزبان فارسی استحاله یافته است: "نکته جالب اینکه از میان نه (۹) اثری که در این دوره نوشته شده اند، تنها کتاب محاسن اصفهان به زبان عربی است و هشت اثر دیگر به زبان فارسی نوشته شده اند. به نظر می‌رسد حرکتی که پس از تشکیل دولت سامانی از سوی ابو علی بلعمی با ترجمه آزاد تاریخ طبری به زبان

فارسی آغاز شده بود، از نیمه های سده پنجم هجری اوج گرفت و زبان زنده شده فارسی، دست کم در این عرصه، بر زبان عربی که زبان اصلی تمدن اسلامی بود، غلبه کرد. شاهد اینکه ابو نصر قباوی که خود در همین دوره (سال ۵۲۲ ق) تاریخ بخارا را از عربی به فارسی ترجمه کرد، گزارش کرده است که "بیشتر مردم به خواندن کتاب عربی رغبت نمایند". بدین گونه این دسته کتاب ها را می توان نماد نوعی انفکاک، یا دست کم تنوع در تمدن اسلامی بشمار آورد. (ص ۱۳۷). در عین حال فرهنگ نامه ها و یا همان زندگینامه های محلی دینی به دلیل نوع مخاطبین راه نویسندگان سلف را پیموده و به زبان عربی تالیف می شدند: "از ۵۱ عنوان زندگینامه های محلی دینی که تا سده هفتم هجری می شناسیم، نشانه ای بر اینکه حتی یکی از آنها به زبان فارسی نوشته شده باشد، در دست نیست." (ص ۲۰۲) چنین وضعی همچنین در مورد زندگینامه های محلی غیر دینی نیز صادق است. (ص ۳۱۹) به نظر می رسد چنین وضعیت نیز متأثر از دایره مخاطبین بود. در مورد تاریخ های محلی در سیر دوره های مختلف از خوانندگان ویژه، یعنی حکمرانان عرب و یا عرب زبان به حیظه مردم فارسی زبان توسعه یافته است. درحالیکه در بای زندگینامه ها نکته دیگری مطرح بوده است که حایز اهمیت و توجه اساسی است. یکی دیگر از برون داد های این متن نشان می دهد که زندگینامه ها اساس متون درسی تلقی می شده که در کانون های تحصیل و آموزش که زبان علمی عربی بوده، تدریس و نگهداری می شده است. این دست نوشته ها، معمولا برای حفظ سلسل نسب علمی در مناطق مختلف مانند طبقات کارکرد آموزشی، دینی، علمی و اجتماعی داشته است. بدین جهت به عنوان سند و یا آرشیو های خانوادگی و یا محلی تلقی شده و در هر دوره نویسندگان به تکمیل آنها دست زده اند.

۴. نتیجه گیری

۱. بررسی های این کتاب نشان می دهد که عنوان اثر، با فهرست و محتوا مطابقت لازم را داشته و نویسنده روال معینی را کم و بیش در استدلال و مهندسی آن در پیش گرفته است. یکدستی روند توسعه روایت اصلی، شیوه استدلال و تحلیل، بهره گیری مناسب و

معتدل از منابع اصلی و مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که نویسنده با حوصله و توان علمی لازم به پژوهش و تالیف این اثر پرداخته است.

۲. کتاب حاضر به تمامی در عرصه تحلیل منابع ایران اسلامی حول محور فرضیه مبنایی شکل گرفته است. به همین دلیل آنچه تولید شده نمایشی از میراث غنی اسلامی است که امروزه باید از سیر آن مطلع بود و از آنها بهره‌گیری کرد. بویژه آنکه تاریخ‌های محلی مبنایی برای تحقیقات اجتماعی در قرون قبل تا قرن حاضر است. از این جهت توجه مناسب به سیر تحول آن می‌تواند جوانب مختلف و مغفول حیات اجتماعی را روشنتر نماید. بدین جهت این اثر می‌تواند به عنوان متن درسی یا کمک درسی مناسب برای دروس تاریخ محلی ۱ و ۲ در سطح دکتری، تاریخ نگاری ایران، تاریخ نگاری و نقد منابع در مقاطع مختلف مفید باشد.

۳. این کتاب چنانکه آمد، می‌تواند به عنوان اثر مبنایی برای شروع و ادامه پژوهشها در دامنه تاریخ محلی باشد. چنانکه تلاش نویسنده نیز برای نبوده که اثر تاریخی خود را بر مبنایی منطقی، چیش کرده تا بر همین اساس برای مثال الگوی مناسبی جهت تولیدات علمی عرضه کرده باشد. در عین کمال اثر باید گفت این گونه تالیفات مبناییقاعده تا حاوی اصطلاحات و عبارت‌های خاص و تخصصی هستند. لذا گمان می‌رود که با توجه به حجم بالای وجود اصطلاحات تاریخ محلی، لازم بود که در درجه نخست همراه واژه‌های علمی - تخصصی برابر نهاد لاتین آن‌ها در پرانتز یا پاورقی ذکر می‌شد. و دست آخر در پایان کتاب بخشی تحت عنوان اصطلاح‌شناسی (ترمینولژی) تنظیم می‌یافت تا در ادامه تحقیقات محلی برای سایرین نیز الگوی مناسبی جهت ادامه کار علمی ایجاد شود. امید است در چاپ‌های آتی این نکته مدنظر قرار گیرد.

۴. در پایان اثر پنج نمودار و دو جدول موجود است که در مجموع توانسته اطلاعات فشرده‌ای را از یافته‌های کتاب در اختیار خوانندگان قرار دهد. ضمن اینکه وجود جمع‌بندی‌ها چه در در میان فصل دوم و یکجا در آخر اثر بسیار ستوده است. اما رویه این است که اگر ارزیابی در خاتمه فصول صورت بگیرد به معنی آن است که با در نظر داشتن آن می‌توان به فصل بعدی ورود کرده و در فهم آن موثر است. اما چنین رویه‌ای در مابقی فصول دیده نمی‌شود و کار از یکدستی در این زمینه برخوردار نیست..

بررسی و نقد کتاب « تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی، ... ۲۳۳

کتاب‌نامه

- آزند، یعقوب، (۱۳۸۰)، تاریخ تاریخ‌نگاری در ایران، تهران، نشر گستره.
- سجادی، سید صادق و هادی عالم زاده، (۱۳۷۵)، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، انتشارات سمت.
- قنوات، عبدالرحیم، (۱۳۹۳)، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی، تاسده هفتم هجری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- مکالا، سی بی بین (۱۳۹۲)، بنیاد های علم تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- نورائی، مرتضی و مهناز شعربافی زاده، (۱۳۹۰)، تاریخ‌نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نورائی، مرتضی، (۱۳۸۷)، راهنمای نگارش در تاریخ، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

Munslow, Alun, (2000), The companion to historical studies, London.

